

بررسی وجوه افتراق و اشتراک کتابداری، آرشیوداری، موزه‌داری، و آرشیوداری دیداری - شنیداری

و حید طهرانی پور*

tehranipoor@gmail.com

چکیده

آرشیوها، کتابخانه‌ها، موزه‌ها و آرشیوهای دیداری - شنیداری، نهادهایی هستند که با مجموعه‌سازی، سازماندهی، حفظ و نگهداری و دسترس‌پذیری منابع اطلاعاتی سروکار دارند. در ایران، به وجوه افتراق و اشتراک این چهار نهاد کم‌تر توجه شده است و در نتیجه، ارتباط این نهادها با هم مبهم است. هر چهار نهاد می‌توانند هر منبع اطلاعاتی اعم از کتاب، نشریه، سند، و منبع دیداری - شنیداری را در خود جای دهند و از منظر کارکردها و علایق خود به آن بنگرند.

کتابخانه، با موادی سروکار دارد که بخش اعظم آن منتشر شده است. آرشیو، مجموعه‌ای از پیشینه فعالیت‌های سازمانی یا اجتماعی است که غالباً مواد اصلی و منتشر نشده هستند. موزه‌ها، با بشرساخته‌ها، اشیا و شواهد مادی پیرامون زندگی انسان سروکار دارند. آرشیوهای دیداری - شنیداری نیز ممکن است منابع منتشر شده یا منتشر نشده، تک نسخه‌ای یا چند نسخه‌ای را در خود جای دهند. اهمیت حفظ و نگهداری در این چهار نهاد، به یک اندازه نیست. هنگامی که منبع اطلاعات تک نسخه است، اهمیت حفظ و نگهداری آن به اوج خود می‌رسد. نوع دسترسی نیز در این چهار نهاد متفاوت است. این چهار نهاد، دارای مفاهیم و ویژگی‌های خاص خود هستند و با در نظر گرفتن مأموریت، جایگاه، جامعه کاربران، منابع مالی، انسانی و دیگر عوامل ترغیب یا محدودکننده، مجموعه‌ای را گردآوری و سازماندهی می‌کنند و آن را دسترس‌پذیر می‌سازند.

پیدایش اینترنت و گسترش فناوریهای جدید، این چهار نهاد را با چالش‌های روبرو کرده است. دیجیتالی‌سازی منابع و دسترس‌پذیر کردن آنها در محیط‌های مجازی، موجب شده است تا برخی، به این نتیجه‌گیری برسند که این چهار نهاد بتدریج به هم نزدیک‌تر می‌شوند و حتی ممکن است از بین بروند و حوزه‌های وابسته به فناوریهای نوین جای آنها را بگیرد.

کلیدواژه‌ها: آرشیو، موزه، آرشیوداری، موزه‌داری، آرشیوداری دیداری - شنیداری.

* * *

* کارشناس ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی پزشکی.

مقدمه

کارکردهای (functions) اصلی شماری از حوزه‌های دانش را، می‌توان گردآوری، سازماندهی، نگهداری و تسهیل دسترس‌پذیری منابع اطلاعات دانست که از میان آنها، می‌توان به دانشهای زیر اشاره کرد:

- کتابداری (librarianship)؛
- آرشیوداری (archival science)؛
- آرشیوداری دیداری - شنیداری (audiovisual archiving)؛
- موزه‌داری یا موزه‌شناسی (museology)؛
- مجموعه‌داری (curatorship)؛
- مجموعه‌داری هنری (art curatorship)؛
- مراقبت مواد (materials conservation)؛
- نگهداری مواد (materials preservation)؛
- دبیزشگری یا دبیزه‌نگاری (documentation)؛
- دانش اطلاع‌رسانی (information science)؛
- مدیریت پیشینه‌ها (records management).

این حوزه‌های دانش، با نام‌هایی دیگر و یا ترکیبی از آنها نیز مطرح می‌شوند. اما چهار مورد نخست، حوزه‌هایی است که هر چهار کارکرد را دارند و حوزه‌های بعدی می‌توانند زیرمجموعه یا مرتبط با این چهار دانش در نظر گرفته شوند. چهار حرفه و علم خواهر که با گردآوری، سازماندهی، نگهداری و اشاعه اطلاعات یا دسترس‌پذیر کردن منابع اطلاعات سروکار دارند و بویژه در ایران، پیوندها و وجوه افتراق و اشتراک آنها با هم چندان روشن نیست. بندرت پیش می‌آید که موزه و موزه‌داری، حتی در کنار کتابداری و آرشیوداری مطرح شود. آرشیوداری دیداری - شنیداری نیز بکلی ناشناخته است. شماری از کتابداران، آرشیوداری را زیرمجموعه کتابداری می‌دانند. شماری از آرشیوداران، کتابخانه را نوعی آرشیو می‌دانند.

این چهار حرفه، همگی منابع اطلاعات همچون کتابها، نشریه‌ها، سندها، بشرساخته‌ها و منابع دیداری - شنیداری را بر روی محمل‌هایی گوناگون گردآوری می‌کنند. پس تفاوت آنها در کجاست؟ پاسخ به این پرسش، می‌تواند تا اندازه‌ای به درک پیوندهای این چهار حرفه خواهر یاری رساند. برای رسیدن به پاسخ این پرسش، بهتر است نخست تعریفها و ویژگیهای هریک از آنها را بررسی کنیم.

کتابخانه

منابع کتابخانه‌ای را می‌توان جدا از استثناها، حاصل منتشر شده فعالیت‌های فکری در نظر گرفت که عمدتاً مقصود از آنها خدمت به اهداف فرهنگی است. کتابخانه‌ها، عموماً براساس خط مشی فراهم‌آوری خود، منابعی هستند که از میان انبوهی از گزینه‌های موجود برگزیده می‌شوند. از آنجا که معمولاً از مواد منتشر شده، نسخه‌های متعددی در دسترس قرار دارد، تصمیم‌گیری در زمینه انتخاب این گونه مواد، در بیش‌تر موارد بازگشت‌پذیر است. فراهم‌آوری در کتابخانه‌ها، بیش‌تر از طریق خرید یا هدیه‌گیری انجام می‌شود. مجموعه‌های کتابخانه‌ای، به طور کلی براساس یک نظام رده‌بندی و معمولاً براساس محتوای منابع سازماندهی می‌شوند. منابع کتابخانه‌ها عمدتاً یا منتشر شده و یا به قصد انتشار پدید آمده‌اند. از آنجا که منابع کتابخانه، عمدتاً منتشر شده‌اند و این منابع مجزای منتشر شده، عمدتاً به سازمان یا دیگر منابع وابستگی ندارند، معمولاً کتابخانه‌ها از روشی استاندارد شده برای توصیف و کنترل موجودی استفاده می‌کنند.^۱

فدراسیون بین‌المللی انجمنها و مؤسسه‌های کتابداری یا ایفلا،^۲ کتابخانه را مجموعه‌ای از کتابها، پایندها و دیگر مواد می‌داند که برای دسترسی فیزیکی، کتابشناختی و محتوایی عموم یا اعضای یک گروه سازماندهی شده‌اند.^۳

بنابراین، کتابخانه‌ها با همه منابع اطلاعاتی در هر شکلی سروکار دارند؛ اما واحد مبنای آنها برای اعمال کارکردهای کتابداری، کتاب و نشریات است. فهرستها و کتابشناسیها، از جمله مهم‌ترین ابزار ارائه اطلاعات به منظور کنترل و دسترس‌پذیری مجموعه کتابخانه‌ها هستند.

کتابخانه‌های ملی، کتابخانه‌های عمومی، کتابخانه‌های کودکان، کتابخانه‌های آموزشگاهی، کتابخانه‌های دانشگاهی، کتابخانه‌های تخصصی و کتابخانه‌های خصوصی، از انواع کتابخانه‌ها هستند.

آرشیو

اگرچه پیشینه آرشیو، به عنوان جایگاه نگهداری اسناد و مدارک به دوران باستان بازمی‌گردد، لیکن کاربرد این واژه به معنای امروزی آن، از انقلاب کبیر فرانسه آغاز شد. با احداث آرشیوهای ملی در سال ۱۷۸۹ و آرشیوهای ایالتی و استانی در سال ۱۷۹۶، طی نخستین بار مدیریت واحدی گنجینه‌های اسناد و مدارک فرانسه را زیر نظارت خود قرار داد. علاوه بر این، مسئولیت گردآوری و حفظ و نگهداری میراث نوشتاری و مستند این کشور به دولت آن واگذار شد. بزودی دیگر کشورهای اروپایی نیز با پیروی از فرانسه اقدام به تأسیس و برپائی آرشیوهای اسناد و مدارک کردند.^۴

جامعه آرشیوداران آمریکا در واژه‌نامه خود، این تعریف را از آرشیو ارائه داده است: «موادی پدید آمده حین انجام دادن کارها یا دریافت کرده شخص، خانواده، یا سازمان، عمومی یا خصوصی که به دلیل ارزش ماندگارشان به علت اطلاعاتی که دارند یا به علت گواه بودن بر کارکردها و مسئولیتهای پدیدآورندگانشان نگهداری می‌شوند، بویژه آن دسته از موادی که با بهره‌گیری از اصول خاستگاه، ترتیب اصلی، و کنترل جامع نگه داشته می‌شوند...»^۵

ایفلا، آرشیو را مجموعه‌ای سازمان یافته از پیشینه‌ها و اسناد غیرجاری می‌داند که در پیوند با فعالیتهای یک سازمان، نهاد یا فرد دریافت یا سازماندهی شده‌اند و به دلیل ارزش مستمرشان نگهداری می‌شوند.^۶

بنابراین، یکی از ویژگیهای کلیدی آرشیوها، سازمان یافتگی آنهاست. آرشیوها بر اثر فعالیتها و کار سازمانها یا افراد به وجود می‌آیند و توسعه پیدا می‌کنند. بنابراین، اسناد یا پیشینه‌هایی که آرشیوهای سازمانی را شکل می‌دهند، مستقل نیستند بلکه تابع ساختاری کلی هستند.

ریچارد کاکس،^۸ آرشیوها را «پیشینه‌هایی دارای ارزش مستمر گواهی (evidential) برای سازمان و جامعه» می‌داند.^۹ لیندا ج. هنری،^{۱۰} عقیده دارد ارزش آرشیوها صرفاً دیوانسالارانه نیست بلکه فرهنگی و بشردوستانه است: «... [آرشیوهای] گردآورنده پیشینه‌ها یا نوشته‌های شخصی که ممکن است رسانه‌های الکترونیکی را نیز دربرگیرند، موجب می‌شوند تعریف جدید پیشینه [به عنوان گواهی بر یک داد و ستد بازرگانی] گنج‌کننده به نظر برسد. ممکن است نوشته‌های شخصی هرگز گواهی بر یک داد و ستد بازرگانی نباشند، اما این منابع آرشیوی، اطلاعاتی غنی فراهم می‌کنند که برای حافظه جامعه مورد نیاز است.»^{۱۱}

جامعه آرشیوداران آمریکا، پیشینه‌های آرشیوی (archival records) را چنین تعریف کرده است: «موادی پدید آمده حین انجام دادن کارها یا دریافت کرده یک شخص، خانواده، یا سازمان، عمومی یا خصوصی که به علت ارزش ماندگارشان به دلیل اطلاعاتی که دارند یا به علت گواه بودن بر کارکردها و مسئولیتهای پدیدآورندگانشان نگهداری می‌شوند.»^{۱۲}

در یادداشت زیر این مدخل آمده است: «پیشینه‌های آرشیوی، بیش‌تر بر اسناد دلالت دارد

تا بشرساخته‌ها یا مواد چاپی؛ گرچه ممکن است مجموعه‌های پیشینه‌های آرشیوی، بشرساخته‌ها و کتابهایی را نیز دربرداشته باشند. پیشینه‌های آرشیوی، می‌توانند به هر شکلی از جمله متن روی کاغذ یا شکل‌های الکترونیکی، عکس، تصویر متحرک، ویدیویی، یا مواد شنیداری باشند».

آرشیوها، پیشینه‌های هر نهادی اعم از عمومی یا خصوصی هستند که به علت ارزشی که دارند، نگهداری می‌شوند. خاستگاه بلافصل آنها، فعالیت‌های اجرایی است. در ضمن اجرای فعالیت‌های کاری یک نهاد، یا فعالیت‌های یک فرد به وجود می‌آیند و انباشته می‌شوند و به همین دلیل، اندوخته‌ای طبیعی از اسناد هستند. از آنجا که هویت و اهمیت هر منبع، اغلب وابسته به روابط سازمانی، کارکردی یا فیزیکی با دیگر منابع در کل پیکره سندداری است، مواد آرشیوی ماهیتی سازماند دارند. منابع آرشیوی، معمولاً منتشر نمی‌شوند و مقصود اصلی از پدید آوردن آنها، نیل به اهداف کارکردی و اجرایی است. به علت خاستگاه و ویژگی آرشیوها، اصول و فنون حاکم بر سازماندهی و توصیف آنها، لزوماً با اصول و فنونی که در رده‌بندی و فهرست‌نویسی منابع کتابخانه‌ای به کار گرفته می‌شود، متفاوت است. به همین علت، اصول خاصی برای سازماندهی منابع آرشیو در نظر گرفته‌اند. دو اصل اساسی آرشیوها، یکی اصل خاستگاه یا منشأ (principle of provenance) و دیگری اصل ترتیب اصلی (original order) است.^{۱۳}

تنظیم و تهیه شرح و توصیف اسناد آرشیوی، با ساختار اداری و روشها و نظامهای بایگانی سازمانهای منشأ آنها بسیار مرتبط است. بنابراین، اداره منابع آرشیوی ایجاب می‌کند که منابع موجود در هر مرکز آرشیوی، طبق قاعده توصیف چند سطحی منابع آرشیوی سامان‌بخشی شوند.^{۱۴} اصل منشأ و فنونی که برای به کار بستن آن به وجود

آمده، بر ساماندهی آرشیوها در هر سطحی اعم از اندوخته (fonds)، گروه پیشینه (record group)، زیر گروه (subgroup)، ردیفها (series)، واحد بایگانی (filing unit) و در نهایت خود ماده (item) حاکم است. همچنین کاربرد این اصل، موجب ایجاد فنونی برای توصیف جمعی پیشینه‌های آرشیوی شده است.^{۱۵}

وقت‌گیرترین و دقیق‌ترین گام در سازماندهی پیشینه‌های آرشیوی، توصیف دقیق منابع و تهیه کاوشیاریها (finding aids) است. کاوشیاریها، توصیف‌کننده پیشینه‌های موجود در مجموعه هستند و از آنها به عنوان راهنما و رهنمود پژوهشگر به مجموعه‌های آرشیوی استفاده می‌شود. محتوا و اندازه کاوشیاریها با هم متفاوت است. به طور کلی، کاوشیاریها ویژگیهای کلیدی مجموعه همچون نام، تاریخ، موضوعها، قالبها، اماکن، و انواع منابع آن مجموعه را توصیف می‌کنند. کاوشیاریها، یافتن اطلاعات را در هر مجموعه از پیشینه‌ها تسهیل می‌کنند. کاوشیاریها، انواع گوناگونی دارند از جمله راهنماها، کارتهای نمایه، گاهشمارها، سیاهه‌های موجودی، رفبرگه، فهرست و دفترهای ثبت. کاوشیاری، سندی است که با یکی کردن اطلاعاتی درباره مجموعه همچون اطلاعات گردآوری و پردازش، خاستگاه، دامنه مجموعه از جمله اندازه، موضوعها، رسانه‌ها، سازماندهی و سامان‌بخشی، و سیاهه‌ای از ردیفها و پوشه‌های مواد را در متن ارائه می‌دهد.^{۱۶}

راهنماها، همه یا بخشی از موجودیهای هر نهاد آرشیوی را به اختصار توصیف می‌کنند. سیاهه‌های موجودی، معمولاً به ردیفهای پیشینه‌ها یا بخشی از پیشینه‌های هر گروه پیشینه خاص مربوط هستند. گاهشمارها یا چکیده‌های اسناد تکی، کاوشیاریهایی هستند که براساس ترتیب زمانی مرتب شده‌اند.^{۱۷}

موزه

موزه‌ها، معمولاً شواهد (evidence) ملموس بشری و محیط زندگی بشر را نگهداری و تفسیر می‌کنند. از این نظر، موزه با کتابخانه تفاوت چشمگیری دارد. زیرا چیزهایی که در موزه‌ها نگهداری می‌شود، عمدتاً منحصر به فردند و مواد خام مطالعه و پژوهش را تشکیل می‌دهند. در موزه‌ها، اشیائی که در بسیاری از موارد از نظر زمان، مکان و محیطی از زمینه اصلی خود جدا شده‌اند، به گونه‌ای خود را بیان می‌کنند که از طریق دیگر رسانه‌ها ناممکن است. اهداف ایجاد و گسترش موزه‌ها، متفاوت است: به عنوان امکاناتی برای گذران اوقات فراغت، به عنوان منابع آموزشی، به عنوان ابزاری برای شناخت کیفیت زندگی پیشینیان، یا برای جذب گردشگر به یک منطقه و برای ترغیب غرور ملی یا انتقال مفاهیم عقیدتی. دو مفهوم نگهداری و تفسیر، اساس موزه را شکل می‌دهند.^{۱۸}

گواه، شاهد یا ملاک (evidence)، به چیزی گفته می‌شود که در پشتیبانی نظر یا بحثی استفاده می‌شود. برای آنکه پیشینه‌ای به عنوان گواهی معتبر پذیرفته شود، باید نشان داده شود که آن پیشینه، معتبر و موثق است و تقلبی نیست و محتوای آن دقیق است.^{۱۹}

شورای بین‌المللی موزه‌ها یا ایکام،^{۲۰} موزه را این‌گونه تعریف کرده است: «موزه نهادی دائمی، غیرانتفاعی در خدمت جامعه و توسعه آن و درگشوده برای همه است که برای هدفهای مطالعه، آموزش، و سرگرمی، شواهد مادی مردم و محیط آنها را فراهم‌آوری، مراقبت، پژوهش و ارتباط سازی می‌کند و به نمایش می‌گذارد.»^{۲۱}

انجمن موزه‌های استرالیا،^{۲۲} اشکالاتی بر این تعریف وارد می‌داند، از جمله اینکه در این تعریف «در خدمت جامعه و توسعه آن» ابهام دارد و موزه‌ها را منفعل نشان می‌دهد. از تمرکز بر «مطالعه، آموزش، و

سرگرمی نیز می‌توان چنین برداشت کرد که موزه‌های حاوی مجموعه‌های غم‌افزا (برای مثال موزه عبرت) نیز باید محیطی لذتبخش برای بازدیدکنندگان فراهم کنند و دیگر اینکه در این تعریف، موزه‌های مجازی اینترنتی در نظر گرفته نشده‌اند. این انجمن با بیان این اشکالات، موزه را نهادی با این ویژگیها تعریف می‌کند: «موزه، به مردم کمک می‌کند تا با بهره‌گیری از اشیا و انگاره‌ها، جهان را به منظور تفسیر گذشته، حال و کشف آینده، درک کنند. موزه، مجموعه‌ها را نگهداری و درباره آنها پژوهش می‌کند، و اشیا و اطلاعات را در محیطهای واقعی و مجازی، دسترس‌پذیر می‌سازد. موزه‌ها، در راستای نفع عمومی به عنوان سازمانهای دائمی غیرانتفاعی برپا می‌شوند و ارزشهایی دیرپا برای جوامع نگه می‌دارند.»^{۲۳} ایفلا، موزه را نهادی ویژه برای فراهم‌آوری، مواظبت، مستندسازی، مطالعه و نمایش اشیای دارای نفع یا ارزش پایدار می‌داند.^{۲۴}

بنابراین، موزه‌ها به جای اسناد یا مواد منتشر شده، با اشیا سروکار دارند. موزه‌ها، اشیائی مانند نمونه‌ها و اجزای جانداران اعصار مختلف و بشرساخته‌های گوناگون از تجهیزات نظامی و صنعتی جدید گرفته تا اشیای باستانی مربوط به تمدنهای کهن را در خود جای داده‌اند. موزه‌ها، این اشیا را گردآوری می‌کنند، درباره آنها دست به پژوهش می‌زنند، آنها را مستند می‌کنند و به نمایش می‌گذارند. مهارت و آموزش اصلی در این حرفه، نگهداری از این اشیا و نمایش عمومی آنها در محیطهای تحت نظر است. هدف اصلی از موزه‌ها، نمایش و ارائه اطلاعات اشیای گردآوری شده به منظور آموزش، پژوهش و سرگرمی است. دسترسی در این نهادها، از طریق برپائی نمایشگاههای دائمی یا موقت صورت می‌گیرد.

شیء ساخته انسان را، بشرساخته می‌گویند. از اصطلاح بشرساخته، معمولاً از این رو استفاده می‌کنند تا اشیای ساخت بشر را از اشیای طبیعی

متمایز کنند. گرچه اسناد و دیگر مواد دو بعدی به علت ماهیت فیزیکی خود بشرساخته هستند، اصطلاح «بشرساخته» اغلب برای متمایز کردن مواد سه بعدی از دو بعدی به کار می‌رود. بشرساخته را، می‌توان به عنوان پیشینه و یا مستندسازی یک طرح یا کارکرد نگهداری کرد. برای مثال اداره ثبت اختراعات ایالات متحده، در سده نوزدهم نمونه اختراعات را نیز به عنوان بخشی از روند ثبت اختراع درخواست می‌کرد.^{۲۵}

از جمله انواع موزه‌ها، می‌توان موزه‌های هنرهای زیبا، هنرهای کاربردی، انسان‌شناسی، باستان‌شناسی، قوم‌شناسی، تاریخ، پیشه، تاریخ فرهنگ، تاریخ نظامی، علمی، فناوری، کودکان، تاریخ طبیعی، سکه‌شناسی، گیاه‌شناسی، جانورشناسی، تمبرشناسی، هنرهای معاصر، زمین‌شناسی، هوانوردی، کشاورزی، و آسمان‌نماها را نام برد.^{۲۶}

آرشیو دیداری - شنیداری

ری ادموندسون،^{۲۷} آرشیو دیداری - شنیداری را این گونه تعریف کرده است: «آرشیو دیداری - شنیداری، سازمان یا بخشی از سازمان است که برای فراهم کردن امکان دسترسی به مجموعه‌ای از اسناد دیداری - شنیداری و میراث دیداری - شنیداری از طریق مجموعه‌سازی، مدیریت، نگهداری و ترویج، مأموریت قانونی یا حکمی دیگر دارد.»^{۲۸}

بدین ترتیب، لازم است تعریف اسناد و میراث دیداری - شنیداری را نیز بدانیم. ادموندسون، میراث دیداری - شنیداری را این گونه تعریف کرده است: «میراث دیداری - شنیداری، موارد زیر را دربرمی‌گیرد، اما تنها به این موارد محدود نمی‌شود: فرآورده‌های صوتی ضبط شده، رادیویی، فیلمی، تلویزیونی، ویدئویی یا دیگر فرآورده‌ها که شامل تصاویر متحرک و یا صداهای ضبط شده باشند، چه از ابتدا به قصد انتشار عمومی تهیه شده باشند و چه

غیر از این؛ اشیا، مواد، آثار و مواد ناهویدای مرتبط با اسناد دیداری - شنیداری، چه از دیدگاه فنی، صنعتی، فرهنگی، تاریخی و چه از دیگر دیدگاهها؛ این، مواد مرتبط با فیلم، برنامه‌های رادیو - تلویزیونی و صنایع ضبط مانند متون ادبی، نمایشنامه‌ها، عکسها، پوسترها، آگهیها، دستنوشته‌ها و بشرساخته‌هایی همچون تجهیزات فنی یا پوشاک را دربرمی‌گیرد؛ مفاهیمی همچون ماندگار کردن مهارتها و محیطهای منسوخ شده مرتبط با بازتولید و عرضه این رسانه‌ها؛ مواد غیرکتابی یا گرافیکی همچون عکسها، نقشه‌ها، دستنوشته‌ها، اسلایدها و دیگر آثار دیداری انتخاب شده در جای متناسب خود».^{۲۹}

تعریف او از اسناد دیداری - شنیداری، این چنین است: «اسناد دیداری - شنیداری، آثاری در برگیرنده تصاویر و یا صداهای قابل بازتولید ثبت شده در یک محمل هستند که: ضبط، انتقال، درک و فهم آنها معمولاً مستلزم استفاده از دستگاهی فنی است؛ محتوای دیداری و یا شنیداری آنها، استمرار زمانی خطی دارد؛ هدف، ارتباط با آن محتوای نه استفاده از فناوری برای اهداف دیگر».^{۳۰}

منظور از استمرار زمانی، این است که نمی‌توان یک منبع دیداری - شنیداری را در یک آن دید یا شنید، بلکه تولید آنها و نیز دیدن یا شنیدن آنها استمرار زمانی دارد.

آرشیوهای دیداری - شنیداری نیز جنبه‌هایی از هر سه نهاد دیگر را در خود دارند. ممکن است منبعی که آرشیوهای دیداری - شنیداری با آن سروکار دارند، منتشر شده باشد یا نشده باشد؛ گرچه بیش‌تر منابع دیداری - شنیداری به قصد انتشار پدید می‌آیند. در آرشیوهای دیداری - شنیداری، مفهوم «نسخه اصلی» اهمیت پیدا می‌کند. مثلاً نسخه نگاتیو فیلم، نسخه‌ای تکی و اصلی است؛ یعنی مشابه آرشیوها و موزه‌ها، ماده اصلی گردآوری می‌شود. فنون سازماندهی در آرشیوهای دیداری - شنیداری

نیز به همان اندازه کتابخانه‌ها، موزه‌ها و آرشیوها مهم و اساسی است. به طور کلی، هنگامی که از منظر اطلاع‌رسانی به آرشیوهای دیداری - شنیداری - بنگریم، این حوزه بیش‌تر به کتابخانه نزدیک می‌شود و هنگامی که از منظر حفظ و نگهداری محملها به آن بنگریم، باتوجه به تک نسخه بودن مواد بویژه نگاتیو اصلی فیلمها و منسوخ شدن تدریجی تجهیزات و مواد دیداری - شنیداری، بیش‌تر به سوی موزه‌های نگهداری بشرساخته‌ها گرایش پیدا می‌کند.

آرشیوهای رادیو- تلویزیون، آرشیوهای برنامه‌گذار، موزه‌های دیداری - شنیداری، آرشیوهای دیداری - شنیداری ملی، آرشیوهای دانشگاهی و علمی، آرشیوهای موضوعی و تخصصی، آرشیوهای استودیویی، و آرشیوهای منطقه‌ای را، می‌توان از انواع آرشیوهای دیداری - شنیداری دانست.^{۳۱}

وجوه افتراق و اشتراک

بدین ترتیب می‌توان این چهار نهاد را نهادهائی با اهداف و کارکردهای مشابه در نظر گرفت که بسته به خط مشی، مأموریت، جامعه کاربران، بودجه و دیگر عوامل، مجموعه‌هائی خاص از منابع اطلاعات را گردآوری، سازماندهی، نگهداری، و دسترس‌پذیر می‌کنند. اما نخست بهتر است تفاوت‌های آرشیو و آرشیو دیداری - شنیداری را بررسی کنیم.

آرشیوها، با گردآوری آن دسته از پیشینه‌ها و اسناد غیرجاری سروکار دارند که عمدتاً حاصل فعالیت‌های سازمانی و اجتماعی هستند. پس از اختراع دستگاه چاپ، اسناد آرشیوی از کتابخانه‌ها جدا شدند. پیشینه‌های آرشیوی، اغلب منابع اولیه و منتشر نشده‌ای هستند که معمولاً اراده‌ای برای انتشار آنها وجود ندارد. اما چه قصد انتشار این پیشینه‌ها وجود داشته باشد و چه نباشد، آرشیوها به این پیشینه‌ها به عنوان مجموعه‌ای باقیمانده از فعالیتی سازمانی یا اجتماعی می‌نگرند، نه آثاری مستقل و

جدا از هم. روش نظم‌دهی و مدیریت کردن بر این پیشینه‌ها، براساس محیط فعالیت و دیگر پیشینه‌های مرتبط با آنها متفاوت است. مثلاً مکاتبات بخشی از اداره را - که در سالی خاص صورت گرفته است - در نظر بگیرید. هر نامه‌ای در این بخش، عضوی از پوشه این مکاتبات است. خود این پوشه نیز عضوی از مجموعه پوشه‌هائی است که آرشیو مکاتبات آن اداره را تشکیل می‌دهند.

همچنان که پیش‌تر نوشته شد، تعریف جامعه آرشیوداران آمریکا از آرشیو، چنین است: «موادی پدیدآمده حین انجام دادن کارها یا دریافت کرده شخص، خانواده، یا سازمان عمومی یا خصوصی که به علت ارزش ماندگارشان، به دلیل اطلاعاتی که دارند یا به علت گواه بودن بر کارکردها و مسئولیتهای پدیدآورندگانشان نگهداری می‌شوند، بویژه آن دسته از موادی که با بهره‌گیری از اصول خاستگاه، ترتیب اصلی، و کنترل جامع نگه داشته می‌شوند...».

براساس این تعریف، آیا می‌توان آرشیوهای دیداری - شنیداری را آرشیو به شمار آورد؟ آیا مواد دیداری - شنیداری مثلاً فیلمهای آرشیو فیلم، گواه کارکردها و مسئولیتهای پدیدآوران خود هستند؟ جدا از استثناها، مواد دیداری - شنیداری حین انجام دادن کارهای اداری پدید نمی‌آیند که گواه آن کارکردها و مسئولیتهای باشند. ارزش ماندگاری آنها نیز ممکن است ارزشی زیباشناسانه باشد نه به علت اطلاعاتی که در آن منبع وجود دارد. ضمن آنکه اصول آرشیوی همچون اصل خاستگاه یا منشأ - که به معنی جدا نگه داشتن پیشینه‌های هر فرد، خانواده، یا سازمان یا پیشینه‌های هر مجموعه و حفظ تاریخچه خاستگاه آنهاست - در آرشیو دیداری - شنیداری کاربردی ندارند. اصل ترتیب اصلی، به معنی آن است که «پدیدآورنده یا پدیدآورندگان، براساس منظور و مقصود خاصی اسناد را در کنار هم چیده‌اند. [و]

فرض بر این است که ترتیب تاریخی، موضوعی، الفبائی و یا هر روش دیگر آن دارای منطق است و نباید این منطق به هم بریزد.^{۳۳}

بنابراین، اصل ترتیب اصلی نیز در آرشیو دیداری - شنیداری کاربرد ندارد. این دو اصل، در کتابخانه و موزه نیز کاربرد ندارند. زیرا در کتابخانه، موزه، و آرشیو دیداری - شنیداری، با مجموعه‌ای مرتبط از پیشینه‌ها سروکار نداریم.

در کتابخانه و آرشیو دیداری - شنیداری، بیش‌تر مفهوم «اثر» (work) است که کوچک‌ترین واحد منابع اطلاعات در این نهادها در نظر گرفته می‌شود (البته با چشم‌پوشی از استثناها). منابعی که در این دو نهاد گردآوری، سازماندهی، نگهداری و دسترس‌پذیر می‌شود، غالباً «اثر» هنری یا علمی مستقل هستند. بسیاری از بشرساخته‌های درون موزه‌ها (صرفاً بشرساخته‌ها، نه همه چیزهایی که ممکن است مواد مورد علاقه موزه‌ها برای گردآوری باشند) نیز اثر محسوب می‌شوند. این مواد، آثاری مستقل در نظر گرفته می‌شوند؛ به طور مستقل نیز با آنها برخورد می‌شود و هریک در جریان سازماندهی و دسترس‌پذیری، هویت مستقل خود را دارند.

موزه‌ها، غالباً جایگاه بشرساخته‌ها یا چیزهای منتشر نشده هستند. در آرشیوها غالباً پیشینه‌های غیرجاری اصلی مکتوب منتشر نشده حفظ و نگهداری می‌شوند که حاصل فعالیت اجتماعی یا سازمانی هستند. کتابخانه‌ها، غالباً آثار مکتوب منتشر شده یا به قصد اشاعه را در خود گردمی‌آورند. آرشیوهای دیداری - شنیداری، غالباً جایگاه آثار یا اسناد دیداری - شنیداری منتشر شده یا نشده هستند.

وجوهی از سه حرفه دیگر وجود دارد که به علت بلا تکلیفی حرفه آرشیوداری دیداری - شنیداری و حوزه دانش مربوط به آن،^{۳۳} به نوعی جزئی از آرشیوداری دیداری - شنیداری در نظر

گرفته می‌شوند. در حالی که ممکن است محدود کننده یا نامربوط باشند. مثلاً مفهوم دسترسی و اشاعه اطلاعات آن چنان که در کتابداری مطرح است، در آرشیوداری دیداری - شنیداری امکان‌پذیر نیست. در کتابداری، اصل اخلاقی دسترسی آزاد همگان به منابع اطلاعاتی مطرح است. اما صرف نظر از اینکه در آرشیوهای دیداری - شنیداری، دسترسی و کپی مواد به دستگاههای خاص نیاز دارد، ممکن است بسیار پر هزینه باشد و یا خطر آسیب دیدن محمل - که احتمالاً تک نسخه‌ای است - وجود داشته باشد. همچنین مسائل مربوط به حق پدیدآورنده اثر نیز مانعی است که تحقق این اصل را بسیار دشوار و در بعضی موارد ناممکن می‌کند. آسیب دیدن منبعی تک نسخه‌ای که ممکن است بخشی از میراث فرهنگی جهان باشد، در بسیاری از مواقع جبران‌ناپذیر است. در آرشیوهای دیداری - شنیداری، علاوه بر گرانیقیمت بودن احتمالی خود ماده، مثلاً یک حلقه فیلم ۳۵ میلیمتری، ممکن است اصلاً نسخه دیگری نداشته باشد تا در صورت آسیب دیدن، بتوان همانند کتاب آن را جایگزین کرد.

این موضوع، موجب پدید آمدن اختلافی اساسی در اولویت‌بندی کارکردهای کتابداری و آرشیوداری دیداری - شنیداری می‌شود. در آرشیوداری دیداری - شنیداری، دسترس‌پذیر کردن مواد با توجه کامل به نگهداری آنها و مسائل مربوط به حق پدیدآور است؛ تا جایی که در صورت به خطر افتادن حیات ماده‌ای جایگزین‌ناپذیر، باید مانع از دسترسی به آن شد. در کتابداری، تسهیل دسترسی کاربران به اطلاعات، مهم‌ترین کارکرد است تا جایی که «رسالت رشته و حرفه ... به قول جس شرا، رساندن اطلاعات به کاربران در کم‌ترین زمان ممکن است».^{۳۴}

در سه حوزه آرشیوداری، موزه‌داری و آرشیوداری دیداری - شنیداری نیز، هدف اصلی تسهیل دسترسی عموم به اطلاعات مواد یا چیزهای

نگهداری شده است. اما تک نسخه‌ای بودن بسیاری از بشرساخته‌ها یا مواد موزه‌ای، بسیاری از مواد دیداری - شنیداری و نیز احتمال محرمانه بودن آنها و نیز محرمانگی شماری از مواد آرشیوی، موجب می‌شود که دسترس‌پذیری در این سه نهاد با احتیاط و توجه خاص و تحت شرایط خاص صورت گیرد و در صورت بیم داشتن از نابودی یا آسیب دیدن یک ماده، شیء یا پیشینه اصلی، از دسترسی یا نمایش آن جلوگیری شود.

از نظر سازماندهی، فهرست‌نویسی در کتابداری، بیش‌تر پاسخگوی نیاز مراجعان است تا در سه نهاد دیگر. در آرشیوها، روشهای دیگر از جمله نمایه‌سازی و تهیه کاوشیاریها کارآمد است. در آرشیوداری دیداری - شنیداری، نیاز به بازبینی یا بازشنوی منبع پیش از فهرست‌نویسی وجود دارد که به وارون سه حوزه دیگر، این کار نیز باید به وسیله یک دستگاه انجام شود؛ زیرا منابع دیداری - شنیداری، انسانخوان نیستند.^{۳۵}

دسترسی در موزه، غالباً به شکل برگزاری نمایشگاهها در محیطهای کنترل شده و غالباً با اهداف آموزشی است. دسترسی در آرشیوها، به علت تک‌نسخگی و یا محرمانگی بعضی از اسناد، محدودیت دارد و در محیطهای نظارت شده و غالباً با اهداف پژوهشی صورت می‌گیرد. دسترسی در آرشیوهای دیداری - شنیداری با توجه خاص به حق پدیدآور و آسیب ندیدن منابع اصلی و به یاری تجهیزات و دستگاههای مرتبط تحقق می‌پذیرد. ویژگیهای مواد اصلی مورد علاقه هر کدام از این نهادها و نوع نگاه این نهادها به مجموعه‌های خود، موجب می‌شود تا کارشناسان هر یک از آنها، نیازمند دانش و مهارتهای متناسبی باشند.

از جمله مفاهیمی که در آرشیوداری دیداری - شنیداری مطرح است، می‌توان به زمینه (context) اشاره کرد. خواندن کتابی با جلد مقوائی یا خواندن

جلد شمیزی همان کتاب، تجربه‌ای تقریباً یکسان به دست می‌دهد. در مورد بررسی یک پیشینه آرشیوی کاغذی، ریزکالبد (میکروفرمی) یا دیجیتالی نیز می‌توان گفت، در هر سه حالت درک محتوا یا اهمیت سند تفاوتی نخواهد داشت یا تفاوت اندکی حس خواهد شد. این منابع، حتی زمانی که با شکلهای مختلف و در محیطهای شدت متفاوت در دسترس قرار می‌گیرند، تا حد زیادی محتوا و ارزش اطلاعاتی خود را به همان شکل حفظ می‌کنند. اما منابع دیداری - شنیداری، بسیار بیش‌تر به زمینه وابسته‌اند.

برای مثال تماشای یک فیلم با استفاده از دستگاه پخش ویدیو در خانه‌ای با چراغهای روشن و از صفحه تلویزیون با تماشای نسخه ۳۵ میلیمتری همان فیلم بر پرده سالن تاریک سینما، تجربه‌ای بسیار متفاوت است. بویژه اگر فیلمی قدیمی تماشا می‌شود و تجهیزات پخش تصویر و صدای آن، متعلق به همان دوره ساخت فیلم بوده باشد! همین مسئله در مورد صفحه‌های گرامافون نیز وجود دارد. مسئله، صرفاً کیفیت صدا و تصویر نیست، بلکه فناوری به کار گرفته شده و محیط یا زمینه‌ای است که تجربه در آن اتفاق می‌افتد. می‌توان به نسخه دیجیتالی یک ترانه قدیمی بر سی دی گوش داد؛ اما این تجربه، جایگزین تجربه گوش کردن به همان ترانه با صفحه گرامافون نخواهد بود. بنابراین، حفظ زمینه و بازسازی زمینه‌ای در آرشیوهای دیداری - شنیداری، اهمیت پیدا می‌کند و در نتیجه، نگهداری تجهیزات قدیمی پخش مواد دیداری - شنیداری نیز، دست‌کم برای شماری از این آرشیوها ضرورت پیدا می‌کند.^{۳۶}

یکی دیگر از مفاهیمی که بیش‌تر در آرشیوداری دیداری - شنیداری مطرح است، کوچ (migration) است. قالبهای دیداری - شنیداری و نیز تجهیزات مربوط به آنها با گذشت زمان منسوخ می‌شوند و

در نتیجه، کوچاندن محتوای ثبت شده بر محملها به محملهای جدید و رایج ضرورت پیدا می‌کند. مثلاً آرشیو ویدیوکاست یک شبکه تلویزیونی که در دهه‌های گذشته برنامه‌های خود را بر روی ویدیوکاست یوماتیک ضبط و نگهداری کرده است، اکنون ناگزیر است محتوای این ویدیوکاستها را به قالبی جدید منتقل کند. زیرا در حال حاضر، نه ویدیوکاست خام این قالب تولید می‌شود و نه تجهیزات ضبط و پخش آن. مسئله کوچ، به نوعی دیگر و در مقیاسی کوچک‌تر برای کتابخانه‌ها، آرشیوها، و موزه‌های دیجیتال و مجازی نیز مطرح است.

همان گونه که اشاره شد، کتابخانه‌ها، آرشیوها و موزه‌ها، بسیاری از منابع اطلاعاتی دیگر را نیز گردآوری می‌کنند. نمونه‌های چنین نهادهایی بسیارند؛ مثلاً آرشیو سلطنتی فیلم بلژیک را - که آرشیو دیداری، شنیداری است - در نظر بگیرید. این آرشیو، کتابخانه تخصصی بزرگی دارد؛ ۲۵,۰۰۰ عنوان کتاب، حدود ۳,۰۰۰ عنوان نشریه ادواری، هزاران جلد بریده جراید، بیش از ۳۰۰,۰۰۰ تصویر ثابت، فیلمنامه و غیره - که همگی درباره سینماست - در آن آرشیو نگهداری می‌شود.^{۳۷}

کتابخانه ملی فرانسه را در نظر بگیرید؛ این کتابخانه بیش از ۱,۴۰۰,۰۰۰ جلد کتاب، ۵۰۰,۰۰۰ جزوه، ۱۷۵,۰۰۰ نسخه خطی، ۳۰۰,۰۰۰ نقشه و نمودار، ۱۵۰,۰۰۰ سکه و نشان، ۱,۴۰۰,۰۰۰ نقش برجسته و ۱۰۰,۰۰۰ پرتره در اختیار دارد.^{۳۸}

حال با توجه به اینکه هر چهار حرفه، ممکن است انواع متفاوتی از منابع اطلاعات را گردآوری کنند، چگونه از هم متمایز می‌شوند؟ بهتر است برای روشن شدن موضوع، مثالی بزنیم. فرض کنید ماده‌ای مثلاً ویدیوکاستی از برنامه‌ای تلویزیونی داشته باشیم. این ویدیوکاست، می‌تواند به تناسب هدفی که مد نظر است، در سازمانهایی از هر چهار نهاد جای بگیرد. در کتابخانه، ممکن است برنامه‌ای

حاوی اطلاعات تاریخی، آموزشی یا هنری در نظر گرفته شود. در آرشیو، می‌تواند بخشی از پیشینه تولید یا حاصل فرایندی اجرائی در یک سازمان یا یک کارخانه محسوب شود. در موزه، می‌تواند یک اثر هنری حاوی اطلاعات کمکی مناسب برای بازدیدکنندگان در نظر گرفته شود؛ و سرانجام در آرشیو دیداری - شنیداری ممکن است این اثر را یک ماده دیداری - شنیداری پخش شده در نظر بگیرند که برای پخشهای بعدی، پژوهش و یا برنامه‌سازیهای بعدی مناسب است.^{۳۹}

به عنوان مثالی دیگر، کتابی را در نظر بگیرید. این کتاب ممکن است در کتابخانه، منبعی برای پژوهش برشمرده شود. در آرشیو، موزه و آرشیو دیداری - شنیداری نیز ممکن است به عنوان منبعی حاوی اطلاعات مفید درباره اسناد آرشیوی، اشیای تاریخی و مواد دیداری - شنیداری و زمینه تاریخی آنها محسوب و بر همین اساس گردآوری و نگهداری شود. نکته‌ای که در این جا مطرح است، این است که در مثال نخست، بدیهی به نظر می‌رسد که جای اصلی و متناسب نگهداری ویدیوکاست مورد اشاره، آرشیو دیداری - شنیداری است؛ هر چند سه نهاد دیگر نیز می‌توانستند آن را ماده‌ای مرتبط با مجموعه خود در نظر بگیرند و گردآوری کنند. در مورد کتاب نیز به همین گونه است. جای اصلی و متناسب نگهداری کتاب در کتابخانه است؛ اما سه نهاد دیگر نیز می‌توانند به عنوان ماده‌ای مرتبط، کتابهایی را نیز در مجموعه خود نگهداری کنند. به نظر می‌رسد تصور همگانی این باشد که جای مناسب و متناسب گردآوری و نگهداری کتاب و پیاندر کتابخانه، شیء و بشرساخته در موزه، سند و پیشینه در آرشیو و ماده دیداری - شنیداری در آرشیو دیداری - شنیداری است. جدول شماره ۱، مقایسه‌ای ساده شده را از این چهار نهاد ارائه می‌کند.

موزه‌ها	کتابخانه‌ها	آرشیوها	آرشیوهای دیداری - شنیداری	
اشیا، بشرساخته‌ها، اسناد مرتبط با آنها	منابع منتشر شده در هر قالبی	پیشینه‌های گزینش شده غیر جاری: هر قالبی، معمولاً منحصر به فرد و منتشر نشده	محملهای تصویر و صدا، اسناد و بشر- ساخته‌های مرتبط با آنها	چه چیزی را نگهداری می‌کنند؟
با نظامی سازگار با ماهیت و وضعیت اشیا	با نظام رده‌بندی (مانند دیوئی، کتابخانه کنگره)	به ترتیب ایجاد و استفاده از سوی پدیدآوران	با نظامی سازگار با قالب، وضعیت و جایگاه	مواد، چگونه نظم می‌یابند؟
به خط مشی، عمومی بودن یا اختصاص داشتن به جامعه‌ای تعریف شده بستگی دارد.	به خط مشی، عمومی بودن یا اختصاص داشتن به جامعه‌ای تعریف شده بستگی دارد.	به خط مشی و شرایط حقوقی وقف کننده و یا واسپار بستگی دارد.	به خط مشی، وجود نسخه کپی، حق مؤلف و توافقاتی قرارداد بستگی دارد.	چه کسانی می‌توانند دسترسی داشته باشند؟
با بازدید از نمایشگاهها، مشاوره با کارکنان	با جستجوی فهرستها، گشتن در قفسه‌ها، مشاوره با کارکنان	با جستجوی راهنماها، سیاهه موجودی، اسناد دیگر	با جستجوی فهرستها، سیاهه‌ها، مشاوره با کارکنان	چیزی را که می‌خواهید، چگونه پیدا می‌کنید؟
در محلهای نمایش	در ساختمان کتابخانه، یا اگر امانت داده شود، از راه دور	در ساختمان نهاد، تحت نظارت	بسته به خط مشی، امکانات و فناوری، در محل آرشیو یا از راه دور	کجا دسترسی پیدا می‌کنید؟
نگهداری و دسترس- پذیر کردن بشرساخته-ها و اطلاعات	نگهداری و یا دسترس پذیر کردن مواد و اطلاعات	حفظ آرشیوها و ارزشهای سندی و اطلاعاتی آنها	نگهداری و دسترس- پذیر کردن میراث دیداری - شنیداری	هدفشان چیست؟
پژوهش، آموزش، سرگرمی	پژوهش، آموزش، سرگرمی	اثبات اعمال و فعالیتها، پژوهش، سرگرمی	پژوهش، آموزش، سرگرمی، کار تجاری	چرا به این نهادها مراجعه می‌کنید؟
موزه داران	کتابداران	آرشیوداران	آرشیوداران دیداری - شنیداری	چه کسانی مواد را نگهداری می‌کنند؟

جدول ۱: مقایسه کلی آرشیو دیداری - شنیداری، آرشیو، کتابخانه و موزه

چالشها

در یکی دو دهه اخیر استفاده از فناوریهای رایانه‌ای و تهیه نسخه دیجیتال از منابع، در هر چهار نهاد گسترش یافته است. سند و پیشینه در مفهوم سنتی خود، در واقع به نوشته‌ای بر کاغذ دلالت دارد. اما در حال حاضر، در محیطهای دیجیتال، سند و بسیاری از مفاهیم مشابه یا مرتبط را برای اشاره به هر چیزی از جمله فایل‌های متنی، صوتی، عکس، فیلم، چند رسانه‌ای، و حتی وبگاهها به کار می‌گیرند. تمایل به استفاده از منابع اینترنتی به جای مراجعه به این نهادها روزافزون است و بسیار کسانی که پیش‌تر از منابع خود این نهادها را سنتی بهره نمی‌گرفتند، از مجموعه‌های دیجیتالی اینترنتی آنها استفاده می‌کنند. بدین ترتیب میانمرز کتابخانه‌ها، موزه‌ها، آرشیوها، و آرشیوهای دیداری - شنیداری روز به روز کمرنگ‌تر می‌شود.

رابرت س. مارتین^{۳۱} نوشته است: «... مرزهای بین کتابخانه‌ها، موزه‌ها و آرشیوها در حال کمرنگ شدن است ... در محیط دیجیتالی، تمایزهای بین کتابخانه‌ها، موزه‌ها، و آرشیوها - که ما آنها را مسلم فرض می‌کنیم - در واقع ساختگی است. این تمایزها مفهومی نیستند، قراردادی‌اند. اگر تمایزهایی که مابین کتابخانه و موزه قائلیم، براساس ماهیت موادی است که آنها گردآوری می‌کنند، اگر آن ماهیت به آن متفاوتی که ما فرض کرده‌ایم، نباشد، تمایزها کمرنگ خواهند شد؛ و اگر ماهیت آن مجموعه‌ها در محیط دیجیتال تغییرپذیرند، دیگر تمایز معنا نخواهد داشت»^{۳۲}.

چنین اظهار نظرهایی جدید به نظر نمی‌رسد. در سال ۱۸۸۱م/۱۲۹۸ق. یکی از کاربران موزه بریتانیا،^{۳۳} به مدیر آن موزه شکوه کرد که گسترش فناوریهای نوین، مجموعه‌ها را به خطر می‌اندازد. منظور او از فناوریهای نوین، لامپ الکتریکی بود. البته چالشهای کنونی ما در مقیاسی متفاوت و در

پی پیدایش پدیده‌هایی همچون نشر الکترونیکی، اینترنت و جهانی شدن استفاده از اطلاعات است.^{۳۴} می‌توان چنین استدلال کرد که با وجود مجموعه‌های دیجیتالی، بسیاری از مجموعه‌های این چهار نهاد، همچنان در محیطهای واقعی نیز ارائه خواهد شد. به نظر نمی‌رسد دست‌کم تا چند دهه دیگر، کتابخوانها، خواندن کتاب را بر روی صفحه نمایشگر، به خواندن کتاب کاغذی ترجیح دهند. تجربه مشاهده بسیاری از بشرساخته‌ها یا اشیای تاریخی اصلی می‌تواند با دیدن آنها یا نمونه دیجیتالی شده سه بعدی آنها در صفحه نمایشگر بسیار متفاوت باشد. در مورد منابع آرشیوهای دیداری - شنیداری نیز تماشا و گوش دادن به آنها در محیطی زمینه‌سازی شده، تجربه‌ای کاملاً متفاوت است. بنابراین، گرچه تهیه و دسترس‌پذیر کردن نسخه‌های دیجیتال منابع این چهار نهاد گسترش روزافزونی داشته و خواهد داشت، به نظر نمی‌رسد این مسئله دست‌کم در آینده نزدیک موجب از بین رفتن این چهار نهاد شود.

اصولاً در مورد بسیاری از بشرساخته‌ها، مسئله «اصالت» اثر نیز مطرح است. برای مثال، نسخه اصل منشور حقوق بشر کوروش بزرگ، به عنوان بشرساخته‌ای ماندگار همیشه نگهداری خواهد شد و بسیاری از اشیای موزه‌ای، تابلوهای نقاشی، دستگاههای صنعتی، تمبرها و نظایر اینها، همین حالت را دارند. نسخه دیجیتال سه بعدی این منابع، تنها برای تسهیل دسترسی به آنها به کار می‌آید نه برای جایگزینی نسخه اصل.

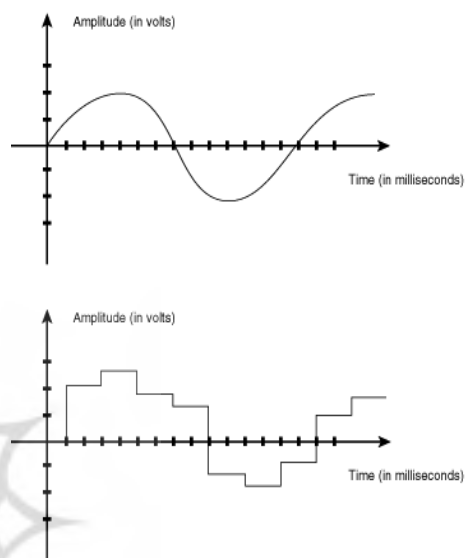
از طرف دیگر، در روند دیجیتالی کردن محتوای یک منبع اطلاعات، به نوعی نمونه‌گیری صورت می‌گیرد. مثلاً برای آنکه صدائی آنالوگ به دیجیتال تبدیل شود، با بسامدی مشخص در هر ثانیه به تعداد مشخصی از موج صدا نمونه‌برداری و بسته به شدت نمونه، مقداری عددی برای آن در نظر گرفته می‌شود

دیجیتال خواهد آمد؛ ولو اینکه در حال حاضر نمی‌توانیم تصویری از آن داشته باشیم.^{۴۶} بدین ترتیب، به نظر می‌رسد پاسخ بسیاری از این پرسشها و نیز سرنوشت این چهار حرفه را زمان مشخص خواهد کرد. اما در کنار جبر فناوریهای نوین، حرفه‌وران هر یک از این چهار حوزه خواهر، می‌توانند سهم خود را در استمرار و بهبود وضع گردآوری، سازماندهی، نگهداری، و تسهیل دسترس‌پذیری منابع اطلاعات، ایفا کنند.

◆ پی‌نوشتها

- 1- Marcel Dekker, "Library", *Encyclopedia of library and Information Science*. (New York: 1968), Vol. 1.
- 2- International Federation of Library Associations and Institutions (IFLA).
- 3- Multilingual Glossary for Art Librarians. (1996). 2nd edition. International Federation of Library Associations and Institutions. Retrieved April 12, 2007, from: <http://www.ifla.org/VII/s30/pub/mg1.htm#g37>
- ۴- نورالله مرادی، مدیریت آرشیوهای دیداری - شنیداری (تهران: نشر کتابدار، ۱۳۸۴)، ص ۱.
- 5- Society of American Archivists.
- 6- Pearce-Moses, Richard. (2005). *A Glossary of Archival and Records Terminology*. Society of American Archivists. Retrieved April 3, 2007, from: <http://www.archivists.org/glossary/index.asp>
- 7- Multilingual Glossary for Art Librarians. (1996). 2nd edition. International Federation of Library Associations and Institutions. Retrieved April 12, 2007, from: <http://www.ifla.org/VII/s30/pub/mg1.htm#g37>

(شکل ۱). بنابراین، نسخه دیجیتالی یک محتوای آنالوگ را تنها می‌توان «نمونه‌ای» (sample) از نسخه اصل در نظر گرفت و بویژه در مورد نسخه دیجیتالی محتواهای صوتی و تصویری، فایل حاصل، نمونه‌ای کوچک شده و با کیفیتی پایین‌تر از نسخه آنالوگ خواهد بود.



شکل ۱: موج صدای آنالوگ (تصویر بالا)، و موج صدای دیجیتال آن (تصویر پائین). صدای دیجیتال صرفاً نمونه‌ای از موج اصلی است.^{۴۵}

آیا در آینده همه چیز به صورت دیجیتالی ذخیره خواهد شد؟ اگر نسخه‌برداری دیجیتال به دیجیتال بدون افت کیفیت است، آیا همه مشکلات نگهداری منابع برای همیشه حل خواهند شد؟ آیا دیجیتالی کردن محتواها، نهایت کار خواهد بود؟ ادموندسون، در پاسخ به چنین پرسشهایی نوشته است: «پیشینه رشته ما، باید به ما آموخته باشد که به همه پیشگوئیهای فناورانه به دیده تردید بنگریم. تنها راهنمای مطمئنی که داریم، اندوخته تجربه ماست. بعید است که قالبی نهائی وجود داشته باشد. ما می‌توانیم براساس تجربه گذشته پیش‌بینی کنیم که چیزی دیگر - هرچه که باشد - پس از رسانه‌های

- York: Marcel Dekker, 1968), Vol. 1, P 515-518.
- 16- Pearce-Moses, Richard. (2005). A Glossary of Archival and Records Terminology. Society of American Archivists. Retrieved April 3, 2007, from:
<http://www.archivists.org/glossary/index.asp>
مدخل «finding aids»
- 17- Posner, *Loc, Cit.*
- 18- Lewis, geoffrey D. (2005). museum. In Encyclopedia Britannica 2005 Deluxe Edition. Version: 2005.00.02.000000000. Encyclopedia Britannica. [CD].
- 19- Pearce-Moses, Richard. (2005). A Glossary of Archival and Records Terminology. Society of American Archivists. Retrieved April 3, 2007, from:
<http://www.archivists.org/glossary/index.asp>
مدخل «evidence»
- 20- International Council Of Museums (ICOM).
- 21- Development of the Museum Definition according to ICOM Statutes (1946-2001). International Council of Museums. Retrieved March 25, 2007, from:
http://icom.museum/hist_def_eng.htm
- 22- Museums Australia.
- 23- Birtley, Margaret. A new definition of 'Museum'. Retrieved April 2, 2007, from:
<http://www.mavic.asn.au/insite/ncmuseum.pdf>
- 24- Multilingual Glossary for Art Librarians. (1996). 2nd edition. International Federation of Library Associations and Institutions. Retrieved April 12, 2007, from:
- 8- Richard Cox.
- 9- Cox, Richard. (1994). The Record: Is it Evolving? The Records and Retrieval Report: The Newsletter for Professional Information Managers. 10(3), p. 1-16. In A Glossary of Archival and Records Terminology. (2005) Society of American Archivists. Retrieved April 1, 2007, from:
http://www.archivists.org/glossary/term_details.asp?DefinitionKey=156
- 10- Linda J. Henry.
- 11- Henry, Linda J. (1998) Schellenberg in Cyberspace. American Archivist 61(2), p. 309-327. In A Glossary of Archival and Records Terminology. (2005) Society of American Archivists. Retrieved April 3, 2007, from:
http://www.archivists.org/glossary/term_details.asp?DefinitionKey=156
- 12- Pearce-Moses, Richard. (2005). A Glossary of Archival and Records Terminology. Society of American Archivists. Retrieved April 3, 2007, from:
<http://www.archivists.org/glossary/index.asp>
مدخل «archival records»
- 13- Posner, Ernst. (1968). Archives. Encyclopedia of Library and Information Science. Vol. 1. New York: Marcel Dekker. P 515- 518.
- ۱۴- صمیعی، میترا. آرشيو در دايرةالمعارف كتابداري و اطلاع رسانی. تهران: كتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۱، جلد ۱.
- 15- Ernst Posner, "Archives" *Encyclopedia of Library and Information Science*. (New

است. بنابراین، عکسها طبق این تعریف، منبع دیداری - شنیداری محسوب نمی‌شوند. بازمینی و یا بازشنوی فیلمها، ویدیوها و منابع شنیداری، نیازمند دستگاه ویژه هر رسانه و قالب خاص محمل آن است. بنابراین، منابع دیداری - شنیداری، «انسانخوان» نیستند. توجه کنید که در مورد فیلم (تصویر متحرک) هم گرچه می‌توان عکسهای روی فیلم را با چشم دید، القای تصور حرکت چیزهای درون فیلم - که از ویژگیهای اصلی این رسانه است - تنها با پخش آن با دستگاه امکانپذیر است.

۳۶- ادموندسون، پیشین، صص ۸۲ و ۸۳.

۳۷- منیره فتوره‌چی، بررسی تاریخی و ارائه راهکارهای توسعه آرشیو ملی فیلم ایران (پایان‌نامه کارشناسی مدیریت اسناد؛ مدیریت برنامه‌ریزی آموزش، سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۸)، به نقل از آرشیو سلطنتی بلژیک، *نامه فیلمخانه ملی ایران*، سال اول، شماره دوم (بهار ۱۳۶۹)، صص ۱۰۷.

38- Library. Webster's Online Dictionary. Retrieved April 9, 2007, from: <http://www.websters-online-dictionary.org/definition/library>

۳۹- ادموندسون، پیشین، صص ۷۴ و ۷۵.

۴۰- همان، صص ۱۲۷.

41- Robert S. Martin.

42- Martin, Robert S. (1-3 August 2003). Cooperation and Change: Archives, Libraries and Museums in the United States. Proceeding of World Library and Information Congress: 69th IFLA General Conference and Council. Berlin. Retrieved April 10, 2007, p 4, from: www.ifla.org/IV/ifla69/papers/066e-Martin.pdf

43- British Museum.

44- Rugaas, Bendik. (13-14 August 1998). Archives, Libraries, Museums (ALM) and the Digital Challenge. Proceedings of the

<http://www.ifla.org/VII/s30/pub/mg1.htm#g37>

مدخل «museum»

25- Pearce-Moses, Richard. (2005). A Glossary of Archival and Records Terminology. Society of American Archivists. Retrieved April 3, 2007, from:

<http://www.archivists.org/glossary/index.asp>

مدخل «artifact»

26- Museum. (2007). In Wikipedia, The Free Encyclopedia. Retrieved April 12, 2007, from:

<http://en.wikipedia.org/w/index.php?title=Museum&oldid=120556204>

27- Ray Edmondson.

۲۸- ری ادموندسون، *فلسفه و اصول آرشیوداری دیداری - شنیداری*، ترجمه وحید طهرانی‌پور (تهران: نشر کتابدار، ۱۳۸۵)، صص ۵۸.

۲۹- همان، صص ۵۴.

۳۰- همان، صص ۵۶.

۳۱- همان، صص ۶۹-۷۲.

۳۲- غلامرضا فدائی عراقی، *مقدمه‌ای بر شناخت اسناد آرشیوی* (تهران: سمت، ۱۳۷۷)، صص ۷۱.

۳۳- برای اطلاعات بیشتر درباره حرفه بودن و متمایز بودن آرشیوداری دیداری - شنیداری از کتابداری و آرشیوداری، بنگرید به: وحید طهرانی‌پور، «آرشیوداری دیداری - شنیداری: حرفه‌ای متمایز از کتابداری و آرشیوداری» *فصلنامه کتاب*، سال هفدهم، شماره دوم (تابستان ۱۳۸۵)، صص ۱۳-۲۸.

۳۴- بهار رهادوست، *بازنگری چند بعدی اطلاع‌رسانی و اصطلاحنامه سازی در عصر ورود به پارادایم نو با به کارگیری رویکرد ماتریس* (تهران: جهان کتاب، ۱۳۸۴)، صص ۳۰.

۳۵- طبق تعریفی که از منابع دیداری - شنیداری ارائه کردیم، یکی از ویژگیهای این منابع، داشتن استمرار زمانی خطی

45- Retrieved April 2, 2007, from:
[http://www.services.ex.ac.uk/cmit/modules/
the_internet/figures/analogue-digital.gif](http://www.services.ex.ac.uk/cmit/modules/the_internet/figures/analogue-digital.gif)

۴۶- ادموندسون، پیشین، ص ۹۸.

Seminar Convergence in the Digital Age:
Challenges for Libraries, Museums and
Archives. Retrieved April 3, 2007, from:
[http://cordis.europa.eu/libraries/en/ifla/session1.
html#rugaas](http://cordis.europa.eu/libraries/en/ifla/session1.html#rugaas)

